



۲۰۱۸/۰۳/۱۹



حمید انوری

فرخنده، نمونه ای از یک نسل بر باد رفته



امروز ۱۹ مارچ ۲۰۱۸ میلادی، مطابق به ۲۸ حوت ۱۳۹۶ هجری شمسی است. سه سال قبل در همین روز خواهر معصوم ما "فرخنده ملکزاده" قربانی ددمنشی های یک مشت افراد اوباش و رزل و یک جمع پست و پلید و بی آبرو گردید.

آن زنده یاد فقط بیست و هفت سال داشت. آن شهید پاک همه آرزوی های خود را با جسم شقه شقه و خورد و خمیر شده و سوخته و بر باد داده شده خود به خاک برد.

یک جمع گماشته شده و وحشی که بوئی از انسانیت، افغانیت، اسلامیت و غیرت و شرافت و عزت نبرده بودند، دستان کثیف و جنایت گستر شانرا بر بدن سراپا پوشیده خواهری دراز کردند که قرآن در دست داشت و قاری قرآن بود. او یک دخت افغان بود، او یک خواهر بود، او یک دختر بود، مگر آیا آن جمع وحشی و بی فرهنگ از خود خواهر و مادری نداشتند که دستان کثیف و خونریز شان بر بدن یک دختر افغان، یک دختر مسلمان و یک بانوی با ایمان دراز شد و حجاب از او گرفتند و بی حجابش کردند؟

آیا مسلمانی همین است؟!

قصد آن ندارم تا قصه پر غصه آن جنایت عظیم را تکراراً اینجا روی صفحه بریزم، مگر چار ناچار در سالروز شهادت آن دخت افغان، باید یادش را گرمی داشت و بر روح و روانش درود و دعا فرستاد و بر قضا و قانون و پولیس و ریاست امنیت کشور، خواهی نخواهی؛ باید گریست.

در جریان آن جنایت ننگین افراد مؤظف پولیس نه تنها که کوچکترین تلاش جهت حفظ امنیت آن دخت مظلوم افغان نکردند، بلکه بی خیال ایستادند و تماشا کردند و شاهد یک قتل فجیع و یک مرگ تدریجی بودند، قتل وحشتناک یک دختر مظلوم و بی دفاع افغان.

درد آور تر اینکه یک مشت افراد پست و پلید دختر معصومی را با ضربات سنگ و چوب و مشت و لگد خورد و خمیر میکردند و یک جمع غفیر بی کار و بی عار و بی روزگار نه تنها اینکه حیثیت تماشاجی را بخود گرفته بودند و از تماشای آن جنایت وحشتناک لذت میبردند، بلکه بی خیال مشغول عکاسی و فلم گیری بودند. به این میگویند مرگ انسانیت!

اشکی در گذرگاه تاریخ

▪
▪
▪

صحبت از پژمردن یک برگ نیست

وای! جنگل را بیابان می کنند

دست خون آلود را در پیش چشم خلق پنهان می کنند

هیچ حیوانی به حیوانی نمی دارد روا

آنچه این نامردمان با جان انسان می کنند

صحبت از پژمردن یک برگ نیست

فرض کن مرگ قناری در قفس هم مرگ نیست

فرض کن یک شاخه گل هم در جهان هرگز نرست

فرض کن جنگل بیابان بود از روز نخست

در کویری سوت و کور

در میان مردمی با این مصیبتها صبور

صحبت از مرگ محبت، مرگ عشق

گفت و گو از مرگ انسانیت است ... فریدون مشیری



شمه ای از یکی دو گزارش از همان زمان:

{ پژواک: "در مجموع محکمه ابتدایی و علنی، ۴۹ تن متهم قضیه به شمول ۱۹ تن از منسوبین پولیس در ماه ثور تدویر یافت و چهار تن، به اعدام و هشت تن، به ۱۶ سال حبس محکوم گردیده و ۱۸ تن دیگر بری الذمه شناخته شدند.

اما به تازگی برخی گزارش ها حاکی است که محکمه استیناف، فیصله مرگ چهار متهم را لغو نموده و هرکدام آنها را به بیست سال حبس محکوم کرده است...."

رادیو آزادی: "... در آغاز ۴ مرد به اتهام قتل فرخنده محکوم به اعدام شدند و نه تن دیگر به زندان طولانی مدت محکوم شدند.

ولی ستره محکمه افغانستان هفته گذشته، خواست محکمه استیناف را که خواهان کاهش مجازات برای تمام محکومین بود، تأیید کرد.

مجازات سه تنی که محکوم به اعدام شده بودند به ۲۰ سال قید کاهش یافت و فرد چهارمی به ۱۰ سال زندان محکوم شد. تخفیف در مجازات نه تن دیگر که به حبس طولانی محکوم شده بودند نیز صورت گرفت.} قرار معلوم منسوبین پلیس که به غفلت در وظیفه و بی تفاوتی در مقابل یک جنایت مقصر شناخته شدند، فقط و فقط برای یک مدت کوتاه وظایف شان به حالت تعلیق درآمد و دگر هیچ.

اما آن چهار قاتل اصلی که به صد ها کلیپ از جنایت شان موجود است و ستره محکمه حکم اعدام آنان را به ده سال و بیست سال زندان تخفیف داد، امروز که سه سال از آن قتل وحشت انگیز و ددمنشانه میگذرد، هیچ کدام از آن جانیان شرف باخته در زندان وجود ندارند و دستان پیدا و پنهانی که آنانرا اجیر نموده بودند، در کار شده و جلو اجرای عدالت را گرفتند و وعده های رئیس جمهور هم در یخ نوشته شد و در آفتاب گذاشته.

لااقل یکی از آن چهار قاتل شرف باخته و ددمنش عضو ریاست امنیت بوده و با پولیس ارتباطات تنگاتنگ داشته است. به این عکس ها خوب دقت کنید:



حال قضاوت با هموطنان عزیز که بر مرگ قضا و قانون و پولیس در کشور می گیریند یا می خندند. جالب این است که در گزارش هیئت حقیقت یاب که از سوی رئیس جمهور مؤظف گردیده بودند تا حقیقت را دریابند، چه ساده "حقیقت" را دریافتند: "... براساس گزارش "کمیسیون حقیقت یاب" هیچ ثبوت و مدرکی وجود ندارد که نشان دهنده ای اشتراک کدام ملا، مولوی و عالم دین در قتل فرخنده خانم باشد. برعکس بیش از ۲۷ مظنون که در رابطه با این حادثه توقیف شده اند بیسواد هستند و قرآن کریم را خوانده نمی توانند..."

مگر ما دانسته نشدیم که آن آشوبگر شاه دو شمشیره با یک بلسر ریش و پشم(عکس بالا) که آن بلوا را براه انداخت و سبب یک جنایت فجیع گردید، اگر ملا و مولوی و عالم دین نبود، پس آیا چلی بود یا طالب و چرا محکوم به مرگ نشد و به دار آویخته نشد؟! او را باید در ملأ عام به دار می آویختند تا عبرتی می شد برای امثال او، اما بگفته شاعری " آنان که مشهور اند به قانون شکنی، امروز نماینده قانون شده اند."

اینکه هیئت حقیقت یاب ادعا میکند که از آن جمع جنایتگستر ۲۷ نفر بی سواد اند و قرآن را خوانده نمی توانند، فقط می تواند یک راه فرار جهت تغییر افکار باشد که آن جنایت جنبه دینی و مذهبی نداشته است و در نتیجه ملا و مولوی و چلی و مجاور در آن جنایت دستی نداشته اند. شرم شان باد!

در جریان جست و جو جهت به دست آوردن معلومات بیشتر و اسناد تصویری و تحریری، گزارش های فراوانی را خواندم، به کلیپ های مستند زیادی از جریان آن جنایت فجیع، دقیق شدم، به آهنگ های هنرمندان با احساس که در سوگ آن دخت افغان سروده بودند، گوش دادم، بیانیه رئیس جمهور را با دقت دیدم و شنیدم و.....

صادقانه سوگند میخورم که در جریان جست و جو و در هنگام نوشتن این سطور، بغض درگلویم سخت پیچید و هر چند تلاش کردم از ریختن اشک خودداری کنم، موفق نشدم. اشک هایم دوقطاره بر دامن جاری شد و تا توانستم گریستم. بر مرگ دردناک خواهرک نامراد ما، شهید فرخنده گریستم، بر مرگ قضا و قانون گریستم، بر مرگ عدالت و انصاف گریستم، بر مرگ انسانیت در کشور غرقه در خون خویش گریستم. بیائید نگذاریم عدالت را به حراج گذارند، انسانیت را گلو ببرند، افغانیت را زیر پا خورد و خمیر کنند. از اسلامیت خو نمی شود حتی سخنی به میان آورد، چه یک مشت سوداگران دین، به نام دین، دیربست دین را وسیله ساخته اند و خرید و فروش و مبادله میکنند. دین در آن سرزمین یک منبع پرسود برای سوداگران دین است.

چند کلیپ را از لابلای ده ها کلیپ برای هموطنان خود انتخاب کرده و در ذیل گذاشته ام، اما از هموطنان خوبم صمیمانه تقاضا دارم تا قبل از آنکه بر هر یک از آنها کلیک کنند، لحظه درنگ نمایند و اگر دل نازک دارند، اگر قلب های ضعیف دارند و اگر نمی خواهند بغض گلوی شانرا بفشار و اگر نمی خواهند اشک های شان جاری شود و خلق شان تنگ، پس لطفاً بر هیچ کدام از آنها کلیک نفرمایند. باز هم اگر با خود و با وجدان خود به اصطلاح بس نیامدند، پس فقط روی کلیپ خواهر گرانقدر و با احساس ما محترمه داکتر "انارکلی هنریار" کلیک کنند و از بقیه بگذرند.

[جریان محکمه قاتلین فرخنده](#)

[آهنگی از شکیب سوزان در سوگ فرخنده](#)

[آهنگی از: راشد آریابور: در سوگ فرخنده](#)

[بیانیه رئیس جمهور افغانستان در مورد اجرای عدالت برای فرخنده](#)

[سخنان خواهر گرامی ما داکتر انارکلی هنریار در تالار مشرانو جرگه در سوگ فرخنده شهید](#)



درد و دعا بر روان پاک شهید "فرخنده ملکزاده" و یادش همیشه گرامی باد!